

حرف های تازه بهزاد سهرابی!!!

یوسف دانش

بیست نهم آذرماه هشتاد و شش

بهزاد سهرابی امروز در نثار بدترین فحشها و تهمت ها به محسن حکیمی تمامی مرزها را پشت سر نهاده است. اگر کسی بپرسد که او چه گفته است پاسخش به طور واقعی یک جمله کوتاه دو کلمه ای بیش نیست. « فحش داده است». ۵ صفحه تمام سیاه کرده است که هر عبارت آن تکرار چندش بار و موهن فحش های جمله قبلی است. او سوای فحش نه چیزی گفته است، نه چیزی برای گفتن دارد، نه چیزی آموخته است و نه آموزگارش چیز دیگری داشته اند که به او یاد بدهند. در این میان تنها سؤالی که می تواند برای خوانندگان احتمالی وی مطرح شود شأن نزول این فحشنامه است. چه شده است که او یکباره دست به این کار زده است. ضرورت انتشار این هجونامه برای وی چه بوده است و از همه اینها مهمتر دیگرانی که این ضرورت را به او گوشزد کرده اند، چه فکر می کنند و چرا در این موقعیت خاص به این کار مبادرت نموده اند. من عضو کمیته هماهنگی نیستم اما یک کارگرم، عضوی از جنبش ضد سرمایه داری کارگران دنیا هستم. چیزهایی را می نویسم که به صحت آنها باور دارم. پاسخ من به سؤالات بالا به صورت بسیار خلاصه اینهاست:

۱. بهزاد سهرابی در زمره کسانی است که بر اساس یک برنامه ریزی حساب شده وارد کمیته هماهنگی شدند تا:
 - کفه مخالفان رویکرد ضد سرمایه داری در کمیته هماهنگی را سنگین سازند.
 - برای رفرمیسم راست سندیکالیستی و حزب سازی بورژوائی بالای سر طبقه کارگر جای پائی فراهم کنند.
 - در صورتی که موفق به حصول هدفهای فوق نشوند کمیته هماهنگی را از هم بپاشند.
- بهزاد سهرابی و عده زیادی دیگر با این هدف وارد کمیته هماهنگی شدند و به محض عضویت، تلاش خود را برای اجرای همین توطئه های از پیش تنظیم شده آغاز نمودند. این یک ادعا نیست. چیزی است که هر کارگر دارای حساسیت به جنبش طبقاتی خود می تواند با چشمان باز واقعیت آن را نظاره نماید. تاریخ ورود این جماعت مأمور و معذور، به کمیته هماهنگی تاریخ شروع کشمکش علیه رویکرد رادیکال سرمایه ستیز و هر جنب و جوش این کمیته برای سازمانیابی ضد سرمایه داری طبقه کارگر است. از این زمان است که افرادی با پشتیبانی همین عده خواستار محو نام و نشان ضد سرمایه داری کمیته هماهنگی می شوند. از همین زمان است که افرادی با علم کردن شورای همکاری خواستار انحلال رویکرد ضد سرمایه داری در سندیکالیسم راست و چپ فرقه ای می شوند. از همین تاریخ است که کمیته هماهنگی اساساً فلج می گردد. اینها به کمیته رفتند تا کمیته را برای عده ای فتح کنند و سندیکالیسم و حزب بازی بورژوائی ماوراء جنبش کارگری را به کرسی بنشانند. آنچه اینان در کمیته می کردند دیگران در خارج از کمیته، در کانال های تلویزیونی، در سایت های اینترنتی، در راه اندازی کمپین های تبلیغاتی سراسر دروغ برای تبلیغ نام و نشان اتحادیه های آلت دست سرمایه جهانی، در تبلیغ رفرمیسم منحط سندیکالیستی و فرقه سالاری و صدها راههای دیگر انجام می دادند.

فحشنامه کریه سهرابی به نوبه خود گواه صادق حرفهای بالاست. او در جا به جای این فحشنامه به صورت بسیار زشتی ماهیت خود و آموزگاران اولترا رفرمیست و راست خود را لو می دهد. دعوی او با فعالین ضد سرمایه داری این است که چرا دست در دست اتحادیه های ضد کارگری آلت دست سرمایه جهانی نمی گذارند. سهرابی این عمل فعالین کارگری را راست تلقی می کند!!! چشم همه کارگران ایران و جهان روشن! نهادهای ضد سوسیالیستی شریک در بسیاری توطئه ها و کودتاهای سرمایه جهانی چپ هستند!!! و فعالین راستین ضد سرمایه داری و برای محو کار مزدوری راست می باشند!!! لخ والساه، گای رایدرها، و نوکران حلقه به گوش کاخ سفید و پاپ اعظم چپ هستند!!! و محسن حکیمی ها راست می باشند!!!

بهزاد سهرابی می گوید که فعالین ضد سرمایه داری راست هستند زیرا که به سندیکای شرکت واحد انتقاد دارند!!!! افتخار بزرگ فعالین ضد سرمایه داری است که از مبارزه توده رانندگان واحد حداکثر پشتیبانی را بعمل آورده اند و به عمل خواهند آورد، در همان حال که رفرمیسم راست نوع سهرابی در شرکت واحد را افشاء ساخته و برای کارگران نقد کرده اند.

بهزاد سهرابی خودش به زبان بی زبانی می گوید که او و همانندانش گوش به فرمان دیگران به کمیته هماهنگی رفتند تا رویکرد کمیته برای ایجاد تشکل سرمایه ستیز توده های کارگر را با تقی کور توده ای وار برای ساختن سندیکاها جایگزین کنند و سندیکائی به سندیکاهای منحل در ملزومات نظم سرمایه جهانی اضافه نمایند. آنها به کمیته هماهنگی رفتند تا علیه فعالین راستین ضد سرمایه داری به هر توطئه ای دست بزنند. او درست در امتداد همین توطئه بافیها است که فرصت را برای حادثترین انتقام از فعالین ضد سرمایه داری مغتتم شمرده است. نه فقط او که سراسر دستوردهندگان و آمران و ناهیان وی از رویکرد ضد کار مزدی طبقه کارگر بیشترین وحشت را دارند. آنها برای کوبیدن و ضربه زدن به سازمانیابی ضد سرمایه داری طبقه کارگر حاضرند به هر کاری دست بزنند. چرا بهزاد سهرابی و شرکای آمر و ناهی، این موقعیت مناسب را برای انتشار این فحشنامه مطول علیه محسن حکیمی انتخاب کرده اند. دلایل بسیار روشن است. حکیمی در زندانهای جمهوری اسلامی به سر می برد. اینها به این نتیجه رسیده اند که مناسب ترین فرصت را به دست آورده اند. دولت اسلامی سرمایه فعالین رادیکال سرمایه ستیز را درو می کند پس اینان هم باید برای خوشه چینی از آنچه بورژوازی درو کرده است وارد میدان شوند. شاید سهرابی نمی فهمد چه می کند اما دستور دهندگان به وی بسیار خوب می فهمند. این کار در فرهنگ چپ حتی چپ غیرکارگری تا این زمان بعنوان پدیده ای کریه مورد تقبیح بوده است. میزان هراس و وحشت رفرمیسم راست و چپ از رویکرد ضد سرمایه داری را می توان بسیار خوب از همین اقدام اینان حدس زد. آنچه تا امروز وقیح ترین بوده است اینک برای توطئه علیه رویکرد ضد سرمایه داری طبقه کارگر از سوی مخالفان این رویکرد بسیار موجه به حساب می آید. اما این کاری است بسیار زشت و به طور قطع هر کارگری آن را محکوم می نماید.

یوسف دانش

۱۹ دسامبر ۲۰۰۷